



قیمت اشتراک سالیانه در ایران
یک تومان
در سایر ممالک
پنج فرانک

کافه
۱۳۲۴

این روزنامه هر دو هفته یکبار
نشر میشود
عنوان مراسلات
Redaktion Kaveh:
Berlin-Charlottenburg
Leibnizstr. 64

* * پنجشنبه ۷ دی ماه ۱۲۸۷ زردگردی = ۴ شعبان ۱۳۳۶ هجری * 15. Mai 1918 . Nr. 28 . Jahrg. 3 * *

گشت و در ایالات آسیای جنوبی وی نیز مانند قفقاز و ترکستان احتمال قوی می‌رود که سعی و کوشش میلیون محلی مشر نتیجه مطلوبه گردیده و آنان نیز از استقلال کامل یا اقل از بسیاری از حقوق و آزادیها برخوردار گردند. ما قبل از شروع بشرح روابط ایران و روس در دو قرن اخیر محض مزید اطلاع شمه از تاریخ روسیه بیان میکنیم:

خلاصه تاریخ روسیه

روسهای امروزی هم مانند ما ایرانیها و اغلب اروپائیا از نژاد هند و اروپائی هستند و در میان طوایف هند و اروپائی نیز از طایفه هستند که موسوم است به «اسلاو». اسلاوها یک قرن قبل از هجرت از دامنه جبال کارپات که در شمال دشت هنگری واقع است سرازیر شده و بطرف نواحی که امروز باسم روسیه مشهور است روان شدند و کم کم در قرن پنجم و ششم هجری بنواحی وسطی روسیه (مسکو وغیره) رسیدند. پس از آن در قرن هشتم تا دهم هجری بخوزه دوینا^(۱) شمالی که مجاور اقیانوس منجمد شمالی است رسیدند و بالاخره

روس و ایران

صلح متحدین با روسیه سرگرفت. در عظمت ظاهری و جهانگیری این مملکت پهناور شکست آمد. خطری که از طرف پترسبورگ متوجه عالم عموماً و شرق خصوصاً بود سپری شد. ممالکی چند از قبیل فلاند و لهستان و اوکرائی دوباره قد زندگانی علم نمودند و ممالک دیگری نیز در کار جدا شدن از روسیه هستند. بنجه قهری که گلوی ایران را تقریباً دو بیست سال بود میفشرد یکمرتبه در آستین فرو رفت. نتیجه آن همه کردارهای زشت و خونریزیهای دو بیست ساله جانشینان پترکیر که تذکار آن سالیان دراز باز خوانندگان تاریخ را متأثر و متألم خواهد نمود در عرض یک سال انقلاب از بیست و یکم جمادی الاولی ۱۳۳۰ که روز استغای نیکلای دوم بیستمین پادشاه سلسله رومانوف است تا ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۳۶ که روز امضای صلح متحدین با روسیه است یکمرتبه بر باد رفت. دست اقتدار روسیه از چندین ایالت اروپائی خود که از حیث تمدن و ثروت بهترین ایالات روسیه و دارای ۵۰ میلیون جمعیت بودند کوتاه

(۱) Dvina

فلاحی نه صنعتی یعنی محصولاتش بیشتر محصولات زمینی است نه کارخانه‌ها. همان طور که فرانسه را صرافخانه دنیا و آلمان را کارخانه دنیا مینامند روسیه را نیز مانند ممالک متحده امریکا انبار گندم دنیا مینامند. خلاصه در قرن اخیر تجارت در روسیه ترقی بسیار نمود چنانکه در ظرف نیم قرن ده برابر شد باین معنی که از سال ۱۲۱۵ تا ۱۲۴۰ میزان متوسط سالیانه آن ۱۱۲۳۰۰۰۰۰۰۰ منات بود و نیم قرن بعد (از ۱۲۹۱ تا ۱۳۱۷) ده برابر شده و عبارت بوده است از ۱۰۰۹۱۰۰۰۰۰۰۰ منات و از این رو در اوایل قرن ۱۴ هجری روسیه در تجارت دنیا مقام ششم را داشته است. در مقام صنعت کارخانه هم اگر چه چنانکه گفته شد روسیه مملکتی است فلاحی ولی باز در این نیم قرن اخیر از حیث صنعت هم خیلی ترقی نموده و بنا به «صورت کارخانجات» که از طرف وزارت مالیه روس در سال ۱۳۱۸ نشر شده عدده کارخانجات روسیه در آن تاریخ ۱۴۰۰۰ بوده است. و همچنین کشتیهای تجارقی این مملکت در مدتی اندک بسیار زیاد شد چنانکه در اواسط قرن اخیر ظرفیت تمام کشتیهای تجارقی روسیه ۳۳۰۰۰۰۰۰ خروار بوده و در سال ۱۳۱۸ به ۲۷۳۰۰۰۰۰ خروار رسیده یعنی ۹ برابر شده است.

خلاصه این بود مختصراً اوضاع دیروزی روسیه ولی نتیجه سلطنت استبدادی و سیاست جهانگیری آن شد که امروز یک مرتبه چندین ایالت از جمله متمولترین و متمدنترین ایالات آن مملکت با ۵۰ میلیون جمعیت از آن سلطنت جدا شده و هنوز هم معلوم نیست که کشمکشهای داخلی دسته‌های مختلف کار آن مملکت را بکجا بکشاند.

روابط ایران و روسیه

در میان ملت‌ها و مملکت‌هایی که میدان هوس‌رانی و جور و تعندی روسیه بودند ایران ما یکی از بیچاره‌ترین آنها بود که بنسبت دوری از اروپا فریاد و ناله‌اش نیز بگوش کسی نمیرسید و مدافع و یاری پیدا ننمود. اکنون که دست جور روسیه بنظر می‌آید دیگر از ایران کوتاه گردیده باشد بی‌مناسبت نیست که نظر مختصری بصفحات تاریخ روابط روس و ایران در دو سست سال اخیر انداخته و بینیم روسیه بر سر ایران چه آورده است.

تأیید از پتر کبیر روابط ایران و روسیه که بمملکت مسکو مشهور بود منحصر بود بروابط تجارقی و اگر گاه گاه سفیری نیز از آن مملکت بایران می‌آمد در حقیقت تاجری بود که محض مجاز بودن از حقوق راه‌داری و غیره باین اسم می‌آمد. شرح دربار شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۸-۱۱۰۶) و بحضور آمدن ایلچی مسکوی در کتاب مسافرت شاردن^(۱) بایران (جلد اول) بخوبی درجه تمدن و مقیاس روابط روس و ایران را در آن عهد می‌رساند که دولت روسیه بنظر ایرانیان چه کم قدر بود. ولی وقتی که سلطنت روسیه پتر کبیر چهارمین پادشاه سلسله رومانوف

در قرن یازدهم از کوه اورال نیز که سرحد آسیا و اروپاست عبور نموده و بطرف سبیری و مشرق اقصی رهسپار شدند.

مورخین تاریخ روسیه را سه قسمت منقسم نموده‌اند: قسمت اول را «عهد کیو»، دوم را «عهد مسکو» و سوم را عهد «پترسبورگ» نامیده‌اند. در «عهد کیو» که از قرن سوم تا هفتم هجری طول کشید روسیه هنوز از نواحی شمالی دریای سیاه دورتر نرفته بودند. مرکز عمده آنها همان کیو پایتخت کنونی اوکرائی بود. این عهد عموماً بدفاع از حمله تاتارها و سایر طوایف آسیائی گذشت. در عهد دوم «عهد مسکو» که روسها بنواحی وسط روسیه (مسکو و غیره) رسیده بودند باز در سال ۶۳۵ هجری تاتارها روسیه را استیلا نموده و بیشتر از دو قرن مالک رقاب روسها شدند و فقط در سال ۸۸۵ ایوان سوم شاهزاده (دوک) بزرگ مسکو کامیاب براندن تاتارها گردید. تاتارها در آن وقت بسیار جنگی بودند و تنها ملتی بودند که از روی بعضی قواعد علمی جنگ مینمودند و حتی یک نویسنده فرانسوی میگوید «تاتارهای قرن ۱۳ (میلادی) حکم پروسهای قرن ۱۸ (میلادی) را داشتند». و هم میتوان گفت که کسانی که اساس یک روسیه متحد و مجموعی را برپا نمودند شاهزادگان مسکو نبودند بلکه خوانین تاتار بودند که ایالات و ولایات مختلفه روسیه را با هم متحد نموده و آنها را در تحت حکومت شاهزاده ایالت مسکو قرار دادند. قسمت مهم این عهد زرد و خورد و نزاع بین سرکشان محلی ایالات و شاهزادگان مسکو میگردد تا عاقبت در سه قرن پیش در سال ۱۰۲۲ میخائیل رومانوف^(۱) از طرف ملت بسطنت برگزیده شد و سر سلسله پادشاهانی گردید که نیکلای دوم آخرین آنها در سال گذشته مجبور باستعفا از سلطنت شد. مشهورترین این پادشاهان پتر کبیر چهارمین پادشاه این سلسله است که از سال ۱۰۹۳ تا ۱۱۳۸ سلطنت نمود و همان وقتیکه شاه سلطان حسین صفوی اسباب ذلت ایران را فراهم می‌آورد وی اساس عظمت یک مملکت وسیعی را برقرار مینمود که از پرتو همان اقدامات خردمندانه کم کم یکی از معظمترین دول دنیا گردید. مهمترین اقدامات پتر کبیر را مورخین ایجاد قشون مستمر، تابع ساختن قوای روحانی را بمقام سلطنت و ترویج صنایع و آداب زندگی ازوبائی را در روسیه میدانند. و هم وی شهر پترسبورگ را بنا نمود که بقول پوشکین^(۲) شاعر معروف روس پنجره ایست بروی اروپا. در اواخر عهد پتر مملکت روسیه ۱۳ میلیون جمعیت داشت و ۲۰۰۰۰۰ نفر قشون ولی جانشینان وی مدام بر خاک آن افزودند تا آنکه قشونش به دو میلیون و نیم و جمعیتش به ۱۵۰ میلیون رسید و از وسیعترین ممالک دنیا شد یعنی وسعت آن یک سلس تمام پنج قطعه زمین و ۲ برابر ونیم اروپا گردید.

اوضاع اقتصادی روسیه

از حیث اقتصاد هم روسیه ترقی بسیار نمود. باید دانست که عموماً روسیه نیز مانند ایران خودمان و برخلاف آلمان و انگلیس مملکتی است

Chevalier Chardin (۱)

Pouchkine (۲) Michael Romanoff (۱)

رسید زمانی بود که سستی و نادانی شاه سلطان حسین اقتراض سلطنت صفویه را نزدیک و صفحه ایران را عرصه تاخت و تاز افغانه نموده بود. این هرج و مرج پتر کیررا نیز بطمع انداخت که در این آب گل آلود صیدی نماید و سفیری بدربار ایران فرستاد که جبران بعضی خسارتها را که در موقع یغمای شهاخی (۱۱۳۴) از جانب طایفه لکزیه بر عیای روس وارد آمده بود مطالبه نماید و خسارات مذکور را به ۴ کرور منات تخمین کرده بودند. سفیر مذکور آرتمی ولینسکی^(۱) وقتی باصفهان رسید که شاه سلطان حسینی در میان نبود و سلطنت با محمود افغان بود. وی نیز جواب داد که او را بر لکزیه اقتداری نیست و این مسئله بهانه بدست پتر داد و ۳۰۰۰۰ لشکر منظم و همان مقدار هم چریک بسرکردگی خود پتر در ۸ شوال ۱۱۳۵ از رود ولکا داخل دریای خزر شده و ۱۳ روزه بمصب رودخانه تبرک رسیده و پس از دست یافتن بر لکرها از گردهای کوههای قفقاز گذشته و وارد داغستان گردیدند و در ذی الحجه همان سال «در بند» را که بقول مورخین دروازه ایران بود گرفتند. در همین موقع بود که پتر کیر بیان نامه خطاب بمردم آن صفحات نوشت که اظهارات دیروزی دولت مستبده روس و امروزه انگلیس را بخاطر میآورد: بیان نامه مزبور مبنی بود بر آنکه اراده اعلیحضرت امپراطور گرفتن ملک و خاک نیست بلکه حفظ تجارت و حمایت تبعه روس است و بس. پس از این وقایع خود پتر کیر بطرف پایتخت خود برگشت ولی قشون روس کم کم بر باکو و گیلان و مازندران و استراباد یعنی بر تمام سواحل جنوبی بحر خزر دست یافت ولی نا همواری آب و هوای آن صفحات موجب هلاکت قسمت مهم قشون روس گردید و بقول مورخین کلیه آن نواحی «قبرستان قشون روس» شد.

هم در آن اوقات طهماسب میرزا پسر شاه سلطان حسین صفوی که در اوآن محاصره اصفهان از طرف افغانها از آن پایتخت گریخته و برای استرداد ملک از دست رفته خود دست و پا مینمود دو سفیر یکی پیتربورگ و دیگری باسلامبول فرستاد که برای خارج نمودن افغانها از ایران طلب یاری نمایند. سفیری که پیتربورگ رفته بود اسمعیل بیک نامی بود که در ۱۲ محرم ۱۱۳۶ با پتر کیر عهد نامه بست که مطابق آن داغستان و شیروان و گیلان و مازندران و استراباد بروسیه تعلق میگرفت و در عوض دولت روس هم وعده میداد که افغانها را از ایران بیرون نموده و طهماسب میرزا را باسلطنت برساند.

پیشرفت روسها در ایران دولت عثمانی را متزلزل داشته و داماد ابراهیم پاشا وزیر سلطان احمد سوم علما و اعیان را جمع کرده و بر آن شدند که با روسیه بنای جهاد را بگذارند ولی سفیر فرانسه دُ بُناک^(۲) در میان افتاد و عهد نامه اسلامبول ۲ ذی القعدة ۱۱۳۶ را بین روسیه و عثمانی با مضا رساند. مطابق این عهد نامه داغستان و قسمت شمالی شیروان و ایالات گیلان و مازندران ملک روس و ولایات شمال غربی ایران یعنی ارمنستان و آذربایجان و کردستان تا کرمانشاهان و همدان که در همان اوقات عثمانیها از پریشانی اوضاع ایران

استفاده نموده و تصرف نموده بودند ملک عثمانی شناخته میشد و هم در عهد نامه مزبور مقرر گردید که اگر طهماسب با مواد عهد نامه همراه است ویرا سلطنت بقیه ایران دهند و الا شاهزاده دیگری را باسلطنت بشناسند. عهد نامه که در ربیع الاول ۱۱۴۰ بین اشرف افغان و دولت عثمانی در اسلامبول بسته شد عهد نامه روس و عثمانی ۱۱۳۶ را رسماً شناخت.

بعدها پس از سپری شدن دوره تسلط افغان از ایران (۱۱۴۲) شاه طهماسب پس از شکست خوردن از قشون عثمانی در نزدیکی همدان در زیر سرپرده احمد پاشا فرمانده قشون عثمانی در ۱۹ رجب ۱۱۴۴ عهد نامه با دولت عثمانی بست و در آن عهد نامه عثمانیها در مقابل اراضی تازه که از ایران بدست آنها میافتاد قول میدادند که بایران کمک قشونی نموده که روسها را از آن سر زمین بیرون نمایند. ولی کسی که روسها را از ایران بیرون کرد نادر شاه بود که پس از پرداختن خاک ایران از قشون عثمانی و متارکه نامه ۱۲ رجب ۱۱۴۶ روسها را نیز مجبور بتخلیه گیلان نمود و شرح این مسئله آنکه نادر در سال ۱۱۴۰ در طلب تخلیه خاک ایران سفیری بدربار خورشید کلاه (کاترین دوم) ملکه روسیه فرستاده بود و پس از فتوحات عمده که نادر در حوالی آن تاریخ نمود خورشید کلاه سلامت را در صلح و صفا دیده امر تخلیه گیلان را داد و با نادر عهد نامه بست و مطابق آن عهد نامه محال گیلان تا سالیان که در طرف جنوب رودخانه کر واقع است متعلق بایران و باکو و دربند و محال آن طرف کر بتصرف روس در آمد.

از آن پس پنجاه سالی در روابط ایران و روس تازه رخ نمود ولی همینکه تخت و تاج آغا محمد شاه را مسلم گشت (۱۲۰۰) از نو گفتگو بین ایران و روس شروع شد و جهت آن بود که در هرج و مرجی که پس از نادر (۱۱۶۰) در ایران بروز کرد ارکلی خان (هراکلیوس) والی گرجستان تبعیت روسیه را قبول کرده (۱۱۹۷) و خوانین ولایات همسایه خود را نیز بهمدستی خویش میخواند. و هم در همان سال کاترین دوم ملکه روسیه در اشرف تجارتخانه برپا نمود و معلوم بود که در خیال بسط اقتدار خویش در ایران است. آغا محمد شاه در سال ۱۲۱۰ گرجستان را استیلا نمود و تفلیس بدست قشون ایران افتاد. ولی در بهار همان سال در موقعی که آغا محمد شاه مشغول تصفیه امور خراسان بود کاترین بسرکردگی والربوس سوف^(۱) که در ایران بمناسبت آنکه یک پای وی از طلا بوده معروف بقزل ایاغ است قشونی مرگب از ۴۳ هزار نفر بتلافی بحدود ایران فرستاد. این قشون از دربند و باکو و گنجه گذشته از ارس عبور نموده بمنان آمدند و بنای تهدید گیلان و عراق عجم را گذاشتند. ولی در همین اوقات (۱۲۱۱) کاترین بمرد و پهل اول جانشین وی قشون روس را واپس خواند و در مدت سلطنت این پادشاه صلح و صفا بین دو مملکت برقرار بود ولی همینکه دوره سلطنت بجانشین او اسکندر اول (۱۲۱۶) رسید دو باره زد و خورد شروع گردید. در سال ۱۲۱۸ که

Valérinus Zoubof (۱)

De Bonnac (۲) Artemi Volynski (۱)

سوم آن عهد نامه از قرار ذیل است: «پادشاه ممالک ایران از جانب خود ولیعهدان کل الکای نخبوان و ایروان را خواه این طرف رود ارس خواه آن طرف بدولت روسیه واگذار مینماید». از فصول مهم دیگر فصل ششم است: «اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بتلافی خسارت دولت ورعیت روسیه مبلغ ده کروور تقد که عارت از بیست ملیان منات سفید روسی است قرار داد - وجه الحساره پردازد -».

فصل هفتم این عهد نامه نیز که مبنی بر تصدیق ولیعهدی عباس میرزاست از جانب روسیه اهمیت سیاسی بسیار دارد.

خلاصه آنکه عاقبت این جنگ که نتیجه جوش و خروش بیجای روحانیون بود برای ایران بسیار وخیم گردید و مبنای معاملات و روابط ایران و روس همین عهد نامه شوم ترکمن جای گردید که هنوز هم هست^(۱).

در همان سال انعقاد عهد نامه (۱۲۴۳) باز نادانی «عوام بیسر و پا»^(۲) نزدیک بود که آتش جنگ را بین دو دولت روشن نماید و شرح این واقعه آنکه در پنجم رجب آن سال گریایدوف نامی بعنوان سفارت از پترسبورگ وارد پایتخت ایران گردید که شرایط مصالحه را بیای برد ولی رفتار زشت او موجب غوغای عوام و غضب علما گردید و در ۲ شعبان سفارت روس با وجود اقدامات جدی دولت ایران مورد هجوم مردم گردیده و گریایدوف با ۳۷ نفر از کسان او کشته گردیدند ولی ملسوف نام نایب اول سفارت که از آن میانه جان بدر برده بود در دربار روس تصدیق بمقصود گریایدوف نمود و کار با عذر خواهی دولت ایران بتوسط سفیر مخصوص خود خسرو میرزا پسر عباس میرزای نایب السلطنه و مهاجرت حاجی میرزا مسیح مجتهد سر دسته این غوغا بعقبات تصفیه پذیرفت.

در دوره سلطنت محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴) روابط بین دو دولت دوستانه بود. روسها برای وصول باجرای مقاصد خود در آسیای مرکزی دوستی با ایران را لازم میدانستند و در این راه اقدامات گوناگون مینمودند و از آنجمله بود خواستاری نیکلای اول امپراطور روسیه در سال ۱۲۵۴ دیدار محمد شاه را که بفرستادن ولیعهد خود ناصرالدین میرزا که آن وقت هفت ساله بود اکتفا نمود. نیکلای اول بزم زیارت اوج کلیسیا قفقاز آمده بود و در ایروان با ناصرالدین میرزا ملاقات نمود و با او پدرانۀ رفتار و باتباع وی محبت و ملاطفت بسیار کرد و در ناسخ التواریخ (جلد قاجاریه) مسطور است که «ولیعهدرا در بغل داشت و با او همی فرمود که هر چه میخواهی از این عم بینی بزرگ خود بخواه که بر هر چه دست دارد از تو دریغ نخواهد داشت».

در عهد ناصرالدین شاه همچشمی روس و انگلیس در ایران بر شدت خود افزود. تا سال ۱۳۰۹ که مسئله انحصار دخانیات بیک شرکت

سال ششم سلطنت فتحعلی شاه بود سردار تیزیانف^(۲) که در ایران معروف بایشپخدر است شیروان را گرفت و بباکو نزدیک شد ولی در ۲ ربیع الثانی ۱۲۲۱ بدست حسینقلی خان حاکم باکو بقتل رسید و سر و دست او را بطهران فرستادند (۶ ذی الحجه ۱۲۱۸) و اصطلاح معروف «مگر سر ایشپخدر آورده» از آن وقت باقی است.

در مقارن این اوقات در سال ۱۲۲۵ عهد نامه اتحادی بین ایران و عثمانی برضت روسیه بسته شد و دو مملکت با روسیه مشغول زد و خورد شدند ولی عثمانیان شکست خوردند و سلطان محمود دوم مجبور شد در بخارست عهد نامه صلحی با روسیه ببندد (۱۲۲۷) و از همان تاریخ بسارای از عثمانی مجزا شد.

ولی زد و خورد ایران و روس پس از کشته شدن ایشپخدر باز ۷ سال طول کشید و عاقبت منجر شد بصلح و عهد نامه که در تاریخ ۹ شوال ۱۲۲۸ در گلستان که اسم محلی است در قراباغ بسته شد. بنای این عهد نامه بنا بفصل دوم آن بر روی استاتوس کوو پرزنتیوم^(۱) بود یعنی «هر موضع و جایی که الی قرار داد مصالحه الحال بوده است از آن قرار باقی و تمام اولکای ولایات خوانین نشین که تا حال در تحت تصرف و ضبط هر یک از دولتین بوده کما کان در تحت ضبط و اختیار ایشان بماند»^(۲). از این رو «ولایات قراباغ و گنجه که الآن مستی بالیزابت پول و اولکای خوانین نشین شکی و شیروان و قبه و دربند و باکو و هر جا از ولایات طالش که الآن در تحت تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان و گرجستان و محال شوره گل و آجوق باش و کورنه و منگریل و ابخاز و تمامی الکا و اراضی که در میان قفقازینه و سرحدات معینه الحاله بود و نیز آنچه از اراضی و اهالی قفقازینه الی کنار دریای خضر متصل است مخصوص و متعلق دولت امپریه روسیه»^(۳) گردید. علاوه بر اینها بنا بفصل پنجم این عهد نامه احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روسیه حق داشتن کشتی جنگی در دریای خزر ندارد.

از آن پس مدت ۱۲ سال دیگر ایران و روس باشتی و مسالمت با هم گذراندند ولی در سال ۱۲۴۰ روسها اظهار داشتند که ناحیه شمال غربی دریای کوهکجه از توابع ایروان داخل در حد تقسیم روس است و امپراطور نیکلای اول که پس از فوت اسکندر اول (۲۱ ربیع الاول ۱۲۴۱) بتخت نشست بمشکوف را بعنوان سفارت بدربار ایران فرستاد که در ضمن اعلام جلوس امپراطور در رفع اختلافات نیز کوشش نماید ولی علما و مجتهدین اعلان جهاد نمودند و در اواخر ذی الحجه آن سال زد و خورد شروع شد. فتح اول با ایرانیان بود ولی در آخر کار روسها پیش برده و بتبریز وارد شدند و از آنجا هم گذشته بطرف قافلان کوه روانه شدند و ایران را مجبور بعهد نامه ترکمن جای نمودند که در پنجم ماه شعبان ۱۲۴۳ هجری در شازده فصل گذشت. فصل

(۱) اگرچه بنا باظهارات رسمی و کتبی که در ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۶ از طرف دولت روس بتوسط ترنسیکی بیفارت ایران در پترسبورگ شده است این عهد نامه هم باطل و بی اثر گردیده است.

(۲) نامه دولت ایران بسردار بسقویچ (ناسخ التواریخ جلد قاجاریه).

(۱) Titsianof

(۲) Status quo praesentium (۲) ناسخ التواریخ جلد قاجاریه.

(۳) فصل سوم عهد نامه گلستان نقل از ناسخ التواریخ جلد قاجاریه.

انگلیسی بنا بامتیاز نامه ۱۶ رجب ۱۳۰۷ و زمین خوردن آن بمناسبت غوغای علما و مجتهدین بپیمان آمدکار انگلیسها در ایران پیش بود ولی مسئله تنباکو آنها را تا اندازه زمین زد و روسها جلو افتادند. ولی قبل از این تاریخ راجع بروابط روس و ایران بعضی اتفاقات رخ داده که دارای اهمیت است. روسها در سال ۱۲۵۶ جزیره آشور آده را در دریای خزر متصرف شده بودند ولی گفتگوی ایران و روس بر بحر این مسئله خیلی دنباله پید ا کرد و تا دوره ناصر الدین شاه هم رسید. ناصر الدین شاه در سال ۱۲۷۱ رسماً تخلیه جزیره را از روسها مطالبه نمود ولی دولت روس مسئله تخلیه را رد نموده و تنها بتصدیق نمودن بانک جزیره خاک ایران است قناعت نمود. از آن بعد روسها مدام بر قوای خود در جزیره مذکور افزودند و در سال ۱۲۸۳ که ناصر الدین شاه سفر خراسان نمود اقدامات روسها را در خصوص نظم امور ترکها تصدیق کرد. در همان سال روسها در صدد بر آمدند که در بندر جز ساخلو بگذارند ولی دولت ایران مانع گردید. در سال ۱۲۸۶ روسها کراسناوسک (اوزون آده) را تصرف نمودند. خلاصه آنکه پیشرفت بی دربی روسها در ایالات ماوراء خزر و رسیدن آنان بنواحی ترکمن مخصوصاً در موقعی که پس از شکست حمزه میرزای حشمة الدوله از این طایفه در مرو (۱۲۷۶) دولت ایران از انقیاد آنان مأیوس شده بود ایران را مجبور نمود که با دولت روسیه در محرم ۱۲۹۹ عهد نامه آخال را ببندد که بنای سرحد شمال شرقی کنونی ایران است.

از این تاریخ بعد سر تا سر سرحد شمالی ایران بدون فاصله با روسیه مجاور گردید و میدان کار برای روسها در ایران باز شد. در اواخر عهد ناصر الدین شاه نفوذ روسها در ایران خیلی پیشرفت نمود. شرکت لیانازوف در ۱۲۸۵ امتیاز شیلات سواحل جنوبی بحر خزر را گرفت و در ۱۲۹۷ قزاقخانه معروف در ایران ایجاد گردید و در ۱۳۱۰ امتیاز ساختن راه اتزلی بقزوین بیک شرکت روسی داده شد.

در عهد مظفر الدین شاه دولت ایران یک رشته قروض (۱۳۱۸-۱۳۲۰) از دولت روسیه نمود که اولین نتیجه آن ایجاد بانک روس شد در ایران که اثرات سیاسی بسیار مهم داشت. امتیازات متعدد دیگر از قبیل امتیاز معادن قزاقچه داغ (۱۳۱۶) و خطوط تلگرافی و غیره روز بروز بر نفوذ دولت روس در ایران بیفزود.

پس از طلوع مشروطه در ایران دولت روسیه که اصلاً بر ضد آزادی و ترقیات قدرت ملی بود بر شدت اقدامات خود در ایران بیفزود مخصوصاً که شاه وقت محمد علی شاه نیز کمک ترار را در زد و خورد خود بر ضد مشروطه طلبان گرانها میدانست. دولت روس در ۲۲ رجب ۱۳۲۵ با انگلیس عهد نامه بسته و ایران را به منطقه قسمت نمودند. مجلس اول بزور قزاق و صاحبمنصبان روسی بهم خورد (۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶). در موقع ظهور شورش در تبریز در موقعی که محاصره شهر شدت پیدا کرده بود روسیه در ۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷ قشونی در

تحت ریاست سر تیب سنارسکی^(۱) بشهر وارد نمود و چندی بعد در ۱۹ جمادی الآخره همان سال نیز ۲ الی ۳ هزار قشون در اتزلی پیاده نمودند. متحصن شدن محمد علی میرزا را هم در ۲۴ ماه مذکور در موقع فتح ملی در سفارتخانه روس باید از جمله وقایع مهم مربوط بروابط روسیه و ایران بشمار آورد. حضور قشون روس در ایران بر نفوذ روسیه در ایران روز بروز میافزود. دولت ایران باز در ۱۲ شعبان ۱۳۲۸ از دولت روس مطالبه نمود که قشون خود را از ایران بر گرداند ولی دولت روس امر را موکول بپاره امتیازاتی نمود (۱۸ شعبان) و حتی روزنامه تائیس هم بر ضد این توقع برخاش کرد. روسها بر مداخلات خود در امور داخلی ایران مدام میافزودند. اتمام حجت مشهور ۱۴ ذی القعدة ۱۳۲۹ روس بایران تقاضای عذر خواهی بمناسبت اهاتی که ادا میکردند در موقع ضبط اموال ملک منصور میرزای شعاع السلطنه از طرف قراسورانی خزانه داری بقزاقهای روس وارد آمده با دنباله که این مسئله پیدا نمود و منتهی شد بخارج شدن شوستر امریکائی از خدمت ایران و قبول ایران مواد اتمام حجت مذکور را (۱ محرم ۱۳۳۰) درد انگیزترین دورها را در سلسله روابط ایران و روس بنظر میآورد. در آن زمان عده قشون روس در ایران به ۱۲ هزار نفر تخمین شده بود. هم در آن موقع ایرانیان در نقاط مختلفه مانند رشت و اتزلی و تبریز با روسها بنای زد و خوزدرا گذاشتند و مخصوصاً در تبریز کار بالا کشید و در ۳ محرم روسها شهر را گلوله باران نمودند و در دهم آن ماه چندین تن از بزرگان وطن پرستان را بدار زدند. دنباله این کشت و کار بدرزا کشید و بعضی از ولایات دیگر آذربایجان نیز زهر آن بیداد فراموش نشدنی را چشیدند. علاوه بر آذربایجان در ایالات دیگر نیز از قبیل گیلان و خراسان از طرف روسها رفتارهای ناهنجاری سر زد که سالیان دراز اسباب شنات و خجالت حکومت تزاری خواهد ماند و مخصوصاً توپ بستن حرم مطهر در مشهد (۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۰) از جمله وقایع تاریخی است. در ۳ شعبان ۱۳۳۲ باز دولت ایران یاد داشتی در چهار ماده بدولت روس فرستاد و عزل صمدخان شعاع الدوله مراغه را که بیاری روسها حکومت آذربایجان یافته بود و عدم مداخله مأمورین روسی را در امور مالیاتی ایران و عدم خریداری ملک بتوسط تبعه روس و تخلیه خاک ایران را از قشون روس مطالبه نمود. دولت روس در اوایل رمضان فقط عزل صمد خان را قبول نمود. دولت ایران باز در ۲۷ ذی القعدة ۱۳۳۲ که اوایل جنگ عمومی باشد یاد داشتی بدولت روس راجع بیطرفی ایران و لزوم تخلیه ایران از قشون روس فرستاد ولی روسها جواب موافقی ندادند و در ۱۴ ذی الحجة سال مزبور شهیندر عثمانی را در تبریز توقیف نمودند و در ۲۴ همان ماه قشون روس از قشون عثمانی که تازه وارد ایران شده بود در حوالی خوی شکست خورد و بعدها در اواسط ماه صفر بعضی از نقاط شمالی ایران را از قبیل تبریز و اورمیه و خوی و مازندران و خراسان و قزوین را

Znarsky (۱)

تخلیه نمودند ولی باز در ۱۹ ربیع الاول قشون روس وارد تبریز شد. کم کم در اواسط ۱۳۳۳ دامنه جنگ عمومی با ایران نیز کشیده شد و منتهی شد بوقایع و حوادثی که شرح آن مترجماً در شماره‌های «کاوه» داده شده و در اینجا در تکرار آن لزومی دیده نمیشود.

امروز پس از سرنگون شدن تخت و تاج تزاری که موجب آن همه مصیبتها بود روابط ایران با روس رنگ دیگری گرفته و اولیای کنونی امور روسیه استقلال تام و تمام ایران را شناخته و از کردار حکومت‌های سابق روسیه نسبت با ایران اظهار شرمندگی مینمایند و وعده‌های ملاطفت آمیز و مهربانی در مرمت گذشته می‌دهند. ولی مملکت روسیه هنوز بازیچه جزر و مدهای انقلاب است و نمیتوان گفت عنان امور عاقبت در کدام سرپنجه مقتدری خواهد افتاد همینقدر است که آن دورهای تاریک و مدهش سپری گشته و از این بعد ایران بایک روسیه دیگری سر و کار خواهد داشت.

نظر اجمالی باوضاع ایران

هان رویه درشت و ظالمانه‌ها که در عهد استبداد تساری روسها در ایران داشتند حالا بدون فرق انگلیسها شعار خود ساخته زجر کشی و جبر و تحکم را از هانجا که آنها ترک نمودند اینها در دست گرفته‌اند. یعنی بعد از آنکه مبنای تشدد و زیاده روی روسی در ایران بهم شکست و عهد نامه سال ۱۳۲۰ بواسطه حکومت بولشویکی عاقل و باطل گشت، و بعد از آنکه دولت انگلیس در عهده تعویق بودن همان عهدنامه‌ها بدولت ایران اعلام نمود، بفاصله خیلی کم چهره حقیقی انگلیس از پس پرده پندار ظاهر و تمتی و زیادتی نسبت با ایران شروع گردیده با کمال وضوح معلوم شد که مقصود دولت انگلیس از نسخ عهد نامه ۱۳۲۰ - که منطقه‌های نفوذ برای دولت روس و انگلیس معین میکرد - فقط این بوده است که بهیچوجه پای بندی در میان نداشته (اگرچه تا حال هم هیچوقت نداشته‌اند) و دست تعرض را بدون هیچ مانع و عایقی بهر طرف ایران بخواهند آزادانه دراز نمایند. خیلی هم خنده دارد که انگلیسها اقدامات جابرانه آخری را با یک نطق لورد کرزن در مجلس لوردها که نویدها و امیدها بدولت ایران میداد شروع کردند و بدین وسیله یک مرتبه دیگر مدلل شد که آنها نماینده‌های قوی فقط برای چشم بندی ایرانیان و مخصوصاً یک دسیسه بیشرمانه در مقابل افکار عمومی دنیا بوده است و بس. چنانکه این مسئله از وقایع اخیر ایران که ما در این نزدیکها بدست آورده و بجملی از آنرا ذیلاً مینگاریم با کمال خوبی روشن و آشکار میگردد:

انگلیسها در حوالی اورمییه یک قوه نظامی مرکب از افراد ارمنی و جلو (۱) که غالباً از خاک عثمانی هجرت کرده‌اند تهیه مینمایند. این قوه در

(۱) کله‌انتهای عثمانی که در موقع جنگ با ایران مهاجرت نموده‌اند و اغلب سبب ناامنی و مایه فتنه و فساد و آلت دست اجانبند.

زیر بیرق انگلیسی و فرماندهی صاحب منصبان فرانسوی و با اسلحه روسی کار کرده و با پول انگلیسی اداره میشود. و مقصود انگلیسها از تشکیل این قوه فقط در دست داشتن نقاطی است که از قشون روسی تخلیه میشود، چنانکه سرتیب باراتف فرمانده قشون روس در ایران که با رشوه انگلیسها از دولت خود روگردان شده است اخیراً اظهار داشته که او فقط جاهائی را از ایران تخلیه میکند که قشون انگلیس قدم بگذارد. قوه سابق الذکر اخیراً با ایرانها طرف شده و در حوالی سلماس و خوی و اورمییه جمع کثیری را بقتل رسانده است. و نیز انگلیسها بکرمانشاه و همدان و از آنطرف بخراسان و سیستان و تربت حیدری قشون فرستاده و تمام اعتراضات دولت را در این باب پشت گوش انداخته و ابداً طرف اعتنا قرار نمیدهند. و علاوه بر این بدولت ایران اطلاع داده‌اند که بسایر نقاط هم قشون فرستاده و بتصرف خواهند در آورد. در کرمانشاه قونسول انگلیس اتصالاً میان ایلات اطراف رفته با رؤسای عشایر در مرادیه است و میخواهد بهر دسیسه هست آنها را با خیالات خود - خصوصاً در مسئله تشکیل یک قوه نظامی دیگری بنام پلیس غرب - همراه نماید و کارکنان انگلیسی نیز راجع باین مسئله سخت در کار تحریر و ترغیب هستند. در رشت نیز ایرانها قونسول انگلیس را با مدیر بانک انگلیسی بعوض شاهزاده سلیمان میرزا که چندی پیش از طرف انگلیسها در کرمانشاه گرفتار و بیفداد فرستاده شده است گرفتار نموده‌اند (بنا بجزایرهای اخیر مستخلص شده‌اند).

براین نایب قونسول سابق دولت روس در خوی از طرف دولت بولشویکی بسفارت طهران معین گردیده است. مشارالیه بعد از ورود طهران بدولت ایران اعلام نموده که بنام دولت متبوعه خود در ازای معاهدات سابق میان دولتین ایران و روس که فعلاً نسخ شده حاضر است یک «معاهده با شرمانه» (؟) با دولت ایران عقد نماید.

در ولایاتی که از طرف نظامیان دولت روس مورد صدمه و خسارت واقع گردیده انجمنهای تعیین خسارت تشکیل و نظامنامه در این باب از طرف دولت نوشته و بانها فرستاده شده است و با وجود این نظامیانی که در زیر فرماندهی سرتیب باراتف میباشند در بعضی نقاط از نهب و قتل اهالی دست برداشته‌اند.

در اصفهان و کرمانشاهان که از قشون روسی تخلیه شده است تفاوت کلی در نرخ اجناس حاصل و قحط و غلا رو بسکونت میباشد. در فارس ناخوشی و با تخفیف یافته و آقا میرزا ابراهیم محلاتی مجتهد معروف فارس در شیراز وفات کرده است.

در آذربایجان حاجی محتشم السلطنه حکمران مشغول ترتیب و تنظیم امور ایالتی است.

در تبریز عزیز الله خان چاردولی معروف بضمصام مراغه‌را که مرتکب دزدی و قتل و غارت بوده است بعد از محاکمه بدار زده‌اند. میرزا عبد الله خان مأمور تشکیلات نظمیه آذربایجان مدرسه پلیس در تبریز دایر نموده و بحال هفتاد نفر از جوانان مهذب در آنجا مشغول

انگلیس و فرانسه در راه حفظ آن حوالی که علاوه بر اهمیت جنگی پریشترین سر زمین زغال سنگ فرانسه هم هست هر روز باز قدمی فراتر نهاده بشهر آیر (۱) در بلژیک که در تاریخ میدان جنگ غرب دارای اهمیت بسیار است نزدیکتر گردید چنانکه کوه گکل (۲) که نقطه بسیار محکمی بود در ۱۵ رجب با ۶۵۰۰ اسیر گرفته شد و در ۳ روز بعد (۱۸ رجب) خبر رسمی آلمان میگفت که قشون آلمان به ۱۳۰۰ ذری آیر رسیده است.

در همان بین که قشون آلمان در روی خشکی عرصه را بر دشمن تنگ گرفته زیر دریایهای آلمانی هم دست از کار خود نکشیده و هر روزه چند کشتی رهسپار دیار عدم مینابند چنانکه در ماه اخیر فرنگی (مارس) که از ۱۸ جمادی الأولى تا ۱۹ جمادی الآخره میباشد ۶۸۹۰۰۰ تن (۲۰۶۷۰۰۰ خروار) غرق نموده اند.

بنا بخر رسمی آلمانی ۹ رجب نتیجه یک ماهه یورش در میدان غرب ۱۱۷۰۰۰ اسیر و ۱۵۵۰ توپ و ۲۰۰ اتوموبیل زرهپوش است. و باز بنا بهمین خبر عده کلبه اسرانی که در آن روز در دست متحدین بوده ۳۴۵۰۰۰ نفر بوده است.

دیگر از اخبار مهمه این اواخر مسئله قرض هشتمی است که ملت آلمان بدولت خود داد و مقدار آن از تمام قرضهای پیش افزون

تحصیل هستند. و برای جلوگیری از احتکار نانوها در هر یک محله تبریز انجمن تفیش نانواخانها از طرف خود اهالی ترتیب داده شده که بتوسط آنها فقرای هر یک محله را نام نویسی کرده بترتیب پته بهر کدام نان بمساوات میدهند و از این قرار بهبودی کلی در امر نان حاصل و ازدحام جلو دکاکین نانوائی کم شده است.

از قرار خبر اخیر هیئت وزرا در اواسط رجب عوض شده و مجدداً در تحت ریاست نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری از این قرار تشکیل یافته:

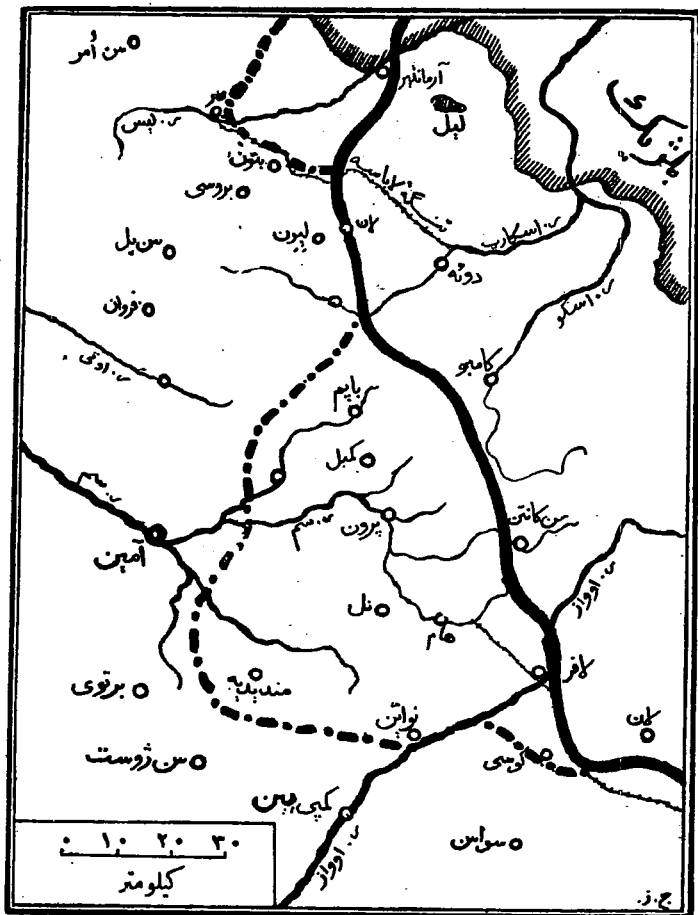
- صمصام السلطنه (نجفقلی خان) بختیاری رئیس الوزرا و وزیر داخله،
- امیر مفتح (لطفعلی خان) بختیاری .. وزیر جنگ،
- مشاور الممالک (علیقلی خان) ... وزیر امور خارجه،
- نیر الملک (رضاقلی خان) ... وزیر عدلیه،
- حکم الملک (میرزا ابراهیم خان) .. وزیر علوم،
- مشار الملک (میرزا حسن خان) .. وزیر مالیه،
- مشار السلطنه (اسد الله خان) ... وزیر پست و تلگراف،
- معین الوزاره (میرزا حسین خان) .. وزیر فواید عامه و تجارت و اوقاف و فلاحه،
- مستشار الدوله (میرزا صادق خان) وزیر بی شغل.

وقایع جنگ فرنگستان

در این اواخر غرض توپ میدانهای جنگ در فرانسه و بلژیک روی سایر صدها را گرفته و گوش عالمیان بزنگ است که اخبار روزانه جنگ برسد و معلوم شود قشون آلمان باز در کدام نقطه میدان پیشرفت نموده است.

در شماره اخیر «کاوِه» گفتیم که تا ۲۰ جمادی الآخره که سیزدهمین روز یورش آلمانها در میدان غرب بود علاوه بر ذخیره و قورخانه و آذوقه بی اندازه ۷۵۰۰۰ اسیر و ۱۶۱۰۰ توپ بدست قشون آلمان افتاده بود. ولی باید دانست که تلفات دشمن چندین برابر عده اسرا بوده است چنانکه بنا باخبار رسمی هلاند تا ۱۶ جمادی الآخره یعنی پس از یک هفته یورش تلفات انگلیسها از بابت مقتول و مجروح تنها ۴۱۲۰۰۰ نفر بوده که با اسرا بیش از یک کروم میشود.

پس از آنکه قشون آلمان در سینه فرانسه بیش از ده فرسخ پیشرفت نمود چند روزی در میدان جنگ بالنسبه آرامی و سکونی پدیدار گردید ولی همه کس میدانست که این آرامی ظاهری است و مشت آهنین هیندنبورگ بلند است تا بکجا پائین آید. ناگهان در ۲۸ جمادی الآخره صدای توپ یورش آلمان از قسمت شمالی میدان جنگ در حوالی سرحد فرانسه و بلژیک شنیده شد. دو روز بعد شهر آرماتیر که از حیث نقطه مستحکمه جنگی دارای اهمیت بسیار بود بدست آلمانها افتاد و در عرض این دو روز باز ۲۰۰۰۰ اسیر و ۲۰۰ عراده توپ نصیب قشون آلمان گردید. از آن پس قشون آلمان با وجود یا فشارهای سخت قشون



خط جنگ پیش از یورش آلمان
خط کونی جنگ
میدان جنگ، غربی

Kemmel (۲) Ypern (۱)

باره تقویم دولت آشور. - ضمیمه دوم یادداشت راجع بتحقیقات جدید در تاریخ آشور.

از دو جلد آخری کتاب منبوره یکی راجع بتاریخ اشکانیان و دیگری راجع بساسانیان است و عنوان آنها این است (۱):

۱ - ششمین دولت بزرگ عالم شرقی یعنی تاریخ و جغرافی و آثار سلسله اشکانیان.

۲ - هفتمین دولت بزرگ عالم شرقی یعنی تاریخ و جغرافی و آثار سلسله ساسانیان و یا سلطنت جدید در ایران.

این جلد هفتم که راجع بتاریخ ساسانیان است بهمت مرحوم ذکاء الملک بفارسی ترجمه گردیده (در ۱۳۱۴ در طهران جزو سالنامه آنسال بچاپ رسیده است). مرحوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه نیز در تألیف کتاب درر التیجان فی تاریخ فی الأشکان از مطالب جلد ششم جورج راولنسن استفاده کرده است.

وفات

حاج محمد تقی شاهرودی در خاک سنجابی در گذشت. ایران یکی از با وفا و با صداقت ترین اولاد خود را گم کرد. مشار الیه مرحوم در عالم خود یگانه بود صاف و در ست، امین و باشرف، وطن پرست و مشروطه طلب و با گذشت بود. در تاریخ مشروطیت ایران کمتر نظیر این مرد پیدا میشود.

حاج محمد تقی شاهرودی اصلاً اصفهانی و مدتی در شاهرود اقامت داشته و بعدها از تجار محترم طهران بود و بواسطه ارتباط و دوستی که با مرحوم مرتضی قلیخان صنیع الدوله پیدا کرده بود بافکار جدیده مأنوس شده و در پی جلب کارخانه بایران بهمراهی صنیع الدوله افتاده بود. از ابتدای انقلاب ایران مشار الیه از پیشقدمان بوده در تمام این مدت از سال ۱۳۶۴ باین طرف از مجاهدین طریق آزادی و مشروطیت و وطن پرستی بود. در مجلس ملی اول از طرف تجار وکیل بود در استبداد صغیر (۱۳۶۹) جزو متحصنین سفارت عثمانی برای سی در استرداد مشروطیت و در زمان مجلس دوم از ارکان مشروطیت بود و بتأسیس جریده ایران نوکک زیادی کرد (۱۳۲۸). در سال (۱۳۳۳) جزو مهاجرین سیاسی از طهران در اوایل ماه محرم آنسال هجرت کرده بهم رفت و از آنجا با سایر مهاجرین تا کرمانشاه و بغداد رفت و بالأخره در ماه جمادی الاولای گذشته با نام نیک بمرض نوبه و کلیه در گذشت.

نام نیکی گر بماند زادمی
به کرو ماند سرای زر نگار.

ومعادل بود با ۱۴٬۰۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰ مارک که بحساب پول ایرانی اگر مارک را ۲ قران ونیم که دست کم قیمت مارک پیش از جنگ بود حساب کنیم ۳٬۶۳۷٬۰۰۰٬۰۰۰ تومان (هفت هزار و دوست وهفتاد و پنج کرور تومان) میشود. وتفصیل ذیل اهمیت این مبلغ را بهتر محسوس میدارد: اگر فرض نمائیم که تمام این مبلغ اسکناس ۱۰ تومانی باشد و کسی بخواهد از قرار هر ثانیه یک اسکناس تحویل بگیرد در صورتیکه هر روز ده ساعت لاینقطع مشغول تحویل گرفتن باشد ۲۸ سال طول خواهد کشید.

با این قرض هشتم مجموع قرضی که تا بحال ملت آلمان بدولت خود داده است ۸۷٬۰۱۱٬۰۰۰٬۰۰۰ مارک (۲۱٬۸۷۷٬۷۰۰٬۰۰۰ تومان) میشود. این بود مختصر وقایع مهمه تا ۴ رجب و ما محض مزید بصیرت نقشه ساده نیز از پیشرفت قشون آلمان در میدان فرانسه در فوق رسم نمودیم.

بهترین تألیفات فرنگیها

در باره ایران

— ۴ —

۲ - کتاب سلطنتهای بزرگ قدیم شرقی (۱)

تالیف جورج راولنسن (۲)

جورج راولنسن که در سال ۱۲۲۷ متولد شده و در ۱۳۲۰ وفات یافته مدت ۲۸ سال در دار الفنون اوکسفورد انگلستان معلم تاریخ قدیم بوده است و تألیفات زیادی راجع بتاریخ ملل قدیم از قبیل مصریان و فینیکیان و آشوریان نوشته. ولی مهمترین کتابهای او در باره ایران جلد پنجم و ششم و هفتم است از یک دوره تاریخ که در باره ملل قدیم عالم شرقی تألیف کرده است موسوم بسلطنتهای قدیم مشرق. جلد پنجم و ششم و هفتم این کتاب راجع بایران است اگرچه در جلدهای دیگر نیز از ایران بر حسب استطراد ذکری میآید ولی جلد پنجم که مخصوص ایران قدیم است بی اندازه مفید است و ششصد و پنجاه عکس و دو نقشه دارد. پنج قسمت اولی این کتاب در چهار جلد است که جلد چهارم مخصوص تاریخ ایرانیان قدیم است پیش از زمان اسکندر که بنا بقول مورخین شرق تاریخ خاندان پیشدادیان و کیان میباشد.

این جلد دارای هفت فصل و دو ضمیمه است بقرار ذیل:

(۱) وسعت مملکت ایران. - (۲) آب و هوا و محصولات ایران. - (۳) اخلاق و عادات و طرز لباس و زینت مردم ایران. - (۴) زبان و خط ایرانیان. - (۵) معماری و صنایع دیگر. - (۶) دین ایرانیان. - (۷) تقویم و تاریخ ایران. - ضمیمه اول یادداشت در

a) The sixth great monarchy of the ancient eastern World . . . Parthia, (1) London 1873. b) The seventh great monarchy of the ancient eastern World or Sassanian, London 1876.

The five great monarchies of the ancient eastern World. 4 Vol. (1) London 1871.

Georges Rawlinson (2)